



دانشکده علوم انسانی

گروه حقوق

عنوان مقاله:

**اشغالگری رژیم صهیونیستی و نقض حقوق بشر دوستانه در سرزمین های
اشغالی فلسطین**

نگارش:

مطلب نوری

تابستان ۱۳۸۸

چکیده

نوشته حاضر تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین المللی و نقض آن در سرزمین های اشغالی تلاش داشت با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و روش کتابخانه ای با بکارگیری کتب، اسناد معتبر به خصوص قطعنامه ها و بیانیه های نهادهای بین المللی به میزان رعایت حقوق بشردوستانه در سرزمین های اشغالی فلسطین بپردازد.

به استناد اسناد متقن و محکم بین المللی، اسرائیل به عنوان متجاوز و اشغالگر است و برابر مقررات بین المللی باید به حقوق ساکنان اشغالی احترام گذاشته و مسوولیت اجرای آنها را بپذیرد. با وجود این که حقوق بشردوستانه ضمانت های اجرایی محکمی همچون سازمان ملل و دیوان کیفری بین المللی دارد و در خصوص نقض آن حقوق در سرزمین های اشغالی فلسطین نیز، قطعنامه ها و بیانیه های فراوانی صادر شده است اما در عمل به خاطر مسامحه و عدم جدیت در اجرای آن اسناد، به نتیجه عملی و شایسته ای ختم نشده است. فراوانی قطعنامه ها و بیانیه ها حاکی از آن است که رژیم اشغالگر به تصمیمات آن نهادها و مقررات بین المللی تمکین نکرده و حقوق ساکنان مناطق اشغالی را به شدت نقض نموده است و البته همچنان به نقض آنها ادامه می دهد.

جایگاه گروه های مقاومت در پرتو اسناد بین المللی مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد آن گروه ها مورد حمایت مقررات بین المللی هستند و دولت ها و نهادهای بین المللی موظف هستند قواعد و مقررات بین المللی در این خصوص را رعایت نمایند و به تبع آن گروه های مقاومت فلسطینی نیز مورد شناسایی حقوقی قرار گرفته و رژیم صهیونیستی با آن گروه ها به عنوان یک گروه مورد حمایت بین المللی مواجه است.

کلیدواژه: حقوق بشردوستانه/ ضمانت اجرایی/ گروه های مقاومت/ کنوانسیون های ژنو/

اشغال نظامی

فهرست مطالب

ب	چکیده
۱	مقدمه

فصل اول

۳	نگاهی گذرا به حقوق بشر دوستانه بین المللی
۴	مبحث اول – حقوق بشر دوستانه و مشخصات آن
۴	بند اول) تعریف
۴	بند دوم) منابع
۵	بند سوم) قلمرو شمول
۵	بند چهارم) ضمانت اجراها
۶	مبحث دوم – نقش نهاد های بین المللی در ضمانت اجرای حقوق بشر دوستانه
۶	بند اول) نقش ارکان سازمان ملل
۶	۱) نقش شورای امنیت
۷	۲) نقش مجمع عمومی
۷	۳) نقش دیوان بین المللی دادگستری
۸	بند دوم) نقش کمیته بین المللی صلیب سرخ
۹	بند سوم) نقش دیوان بین المللی کیفری
۱۰	بند چهارم) نقش دولت ها و مسئولیت آنها

فصل دوم

۱۱	اثبات اشغالی بودن سرزمین های فلسطین و تکالیف قدرت اشغالگر
۱۲	مبحث اول – اشغال نظامی
۱۲	بند اول) تعریف اشغال نظامی
۱۲	بند دوم) جایگاه اشغال نظامی در نظام بین الملل
۱۳	مبحث دوم – اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی و تعهدات آن رژیم
۱۳	بند اول) ادله اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی
۱۷	بند دوم) تکالیف قدرت اشغالگر

فصل سوم

- ابعاد نقض حقوق بشردوستانه در سرزمین های اشغالی فلسطین با تأکید بر قطعنامه ها... ۱۹**
- مبحث اول – نقض اصول اساسی حقوق بشردوستانه در سرزمین های اشغالی... ۲۰**
- بند اول) نقض اصل تناسب... ۲۰
- بند دوم) نقض اصل تفکیک... ۲۰
- بند سوم) نقض اصل رفتار انسانی و عدم تبعیض... ۲۲
- بند چهارم) نقض اصل محدودیت... ۲۲
- بند پنجم) نقض ضرورت نظامی... ۲۴
- مبحث دوم – نقض حق تعیین سرنوشت ساکنان سرزمین های اشغالی توسط رژیم اشغالگر... ۲۴**
- مبحث سوم – نژادپرستی رژیم صهیونیستی و ترور در سرزمین های اشغالی... ۲۷**
- بند اول) نژادپرستی رژیم صهیونیستی... ۲۷
- بند دوم) ترور در سرزمین های اشغالی... ۲۸
- مبحث چهارم – ارتکاب جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت توسط قدرت اشغالگر در فلسطین... ۲۹**
- بند اول) ارتکاب جنایات جنگی... ۲۹
- بند دوم) ارتکاب جنایت علیه بشریت... ۳۱
- مبحث پنجم – نقض حقوق بشردوستانه مرتبط با اموال توسط رژیم صهیونیستی... ۳۲**
- بند اول) نقض اموال عمومی و خصوصی به غیر از اموال فرهنگی... ۳۲
- بند دوم) نقض قوانین مربوط به اموال فرهنگی در سرزمین های اشغالی فلسطین... ۳۴
- مبحث ششم – نقض حقوق اسیران جنگی و بازداشت شدگان و مجروحان جنگی توسط رژیم صهیونیستی... ۳۵**
- بند اول) نقض حقوق اسیران جنگی... ۳۵
- بند دوم) نقض حقوق مجروحان جنگی... ۳۵
- بند سوم) نقض حقوق مربوط به بازداشت شدگان در سرزمین های اشغالی... ۳۶
- مبحث هفتم – نقض حقوق زنان و کودکان توسط رژیم صهیونیستی... ۳۷**
- مبحث هشتم – نقض حقوق خبرنگاران توسط رژیم صهیونیستی... ۳۸**
- نتیجه گیری... ۴۰**
- منابع و مآخذ... ۴۲**

مقدمه

به علت تعارض منافع و مصالح برخی دولت‌ها با همدیگر و همچنین بروز برخی شرایط، باعث گردید جنگ جهانی دوم شروع و عملاً پدید آورندگان جامعه ملل از وصول به اهدافشان ناامید شوند. در جنگ مزبور به علت فقدان اهرم‌های محکم و سازمان‌های نظارتی و اجرایی قوی و برخی مقررات خاص و این که چون طرفین محاصمه تلاش می‌کردند برای دستیابی به خواسته‌هایشان از هر طریق و وسیله ممکن حتی خلاف اصول حقوقی بهره‌جویند مجموع این عوامل باعث گردید بیشترین آسیب‌ها و خسارات به اهداف غیر نظامی به خصوص زنان و کودکان وارد آید.

با متزلزل شدن پایه‌های جامعه‌ی ملل، برخی دولت‌های قدرتمند - که خود از ایجاد کنندگان آن بودند مجدداً در فکر ایجاد سازمانی قوی تر با سازوکارهای اجرایی و ضمانتی محکم تر تحت عنوان سازمان ملل برآمدند که اصلی‌ترین هدف و فلسفه‌ی آن منع تجاوز و توسل به زور، همچنین ایجاد صلح و امنیت بین المللی بود. بر چیده شدن بساط جامعه‌ی ملل و ایجاد سازمانی جایگزین بر اساس خواست، مصالح و منافع برخی قدرت‌های جهانی از این امر حکایت دارد که وجود معاهدات و برخی سازمان‌ها چه قدر به اغراض سیاسی و مطامع دول قدرتمند گره خورده است، به عبارتی؛ حیات برخی معاهدات و سازمان‌ها به لطف دولت‌هایی بستگی دارد که قدرت چانه‌زنی آنها معادلات سیاسی و اقتصادی و نظامی جهان را رقم می‌زند.

به هر حال برای اجرایی نمودن چشم‌اندازهای مورد انتظار سازمان ملل، به ناچار برخی ارکان همچون مجمع عمومی، شورای امنیت و دیوان دادگستری با وظایف مشخص شده به وجود آمدند. هر چند در بند ۱ ماده «۲» منشور چنین قید شده است «سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضاء آن قرار دارد». اما حقیقتاً بدهستان‌های سیاسی و خارج از ضابطه، این اصل اساسی را نادیده گرفته و وزنه را به نفع برخی دول، سنگین کرده است. نمونه بارز این سیاست را می‌توان در سپرده شدن قیمومیت فلسطین به انگلیس از طریق جامعه ملل، خیانت و عدول از اصول قیمومیت توسط آن دولت، صدور قطعنامه ۱۸۱ و تقسیم ناحق سرزمین فلسطین و پذیرش عضویت رژیم صهیونیستی در مجمع عمومی سازمان ملل می‌توان مشاهده نمود.

در راستای مسأله مزبور هر چند بر اساس ماده ۴ منشور اکثریت دولت‌های عضو مخالف حضور آن رژیم در سازمان بودند، ولی بالأخره این قدرت چانه‌زنی و اعمال نفوذ دولت‌های قدرتمند نتیجه‌نهایی را مشخص و با وجود این که پایه‌های آن رژیم بر تجاوز و اشغالگری و نقض معاهدات و اصول مسلم حقوقی بنا نهاده شده بود به عضویت سازمان درآمد که این موضوع را می‌توان به عنوان اولین خطای سازمان ملل در خصوص انحراف نسبت به اصول خود در عضویت برخی اعضا محسوب نمود.

از دیگر موارد اعمال نفوذ نا بجا در سازمان ملل می‌توان به بی‌توجهی نسبت به ماده «۶» منشور اشاره

نمود^۱

^۱ - «هر عضو ملل متحد که در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد ممکن است به وسیله مجمع عمومی بنابر توصیه‌ی شورای امنیت از سازمان اخراج گردد.»

با وجود این که رژیم صهیونیستی به وفور قواعد اساسی حقوق بین الملل را در سرزمین های اشغالی فلسطین از جمله منع تجاوز و توسل به زور، منع اشغالگری و الحاق سرزمین های اشغالی، تبعیض و نژادپرستی، کشتار غیرنظامیان و به طور کل نقض اصول اساسی حقوق بشر و بشردوستانه و ده ها مورد از این قبیل را نقض نموده است در عمل هیچ تصمیم عملی مقتضی و مؤثر مشاهده نمی شود. در حالی که بارها اکثر سازمان های مرتبط، به نقض حقوق مزبور در سرزمین های اشغالی اذعان دارند.

بحث این است با وجود بی توجهی نهادهای مزبور به وظایف و تکالیف خود، نیاز است حقوقدانان و اهل تحقیق بخصوص در کشورهای اسلامی، با توجه به علقه ی دینی و فرهنگی، بیش از پیش به دامنه نقض حقوق بشردوستانه در سرزمین های اشغالی فلسطین توسط رژیم اشغالگر پردازند؛ هر چند در این خصوص مقالاتی هم به چشم می خورد اما تا حدودی هر کدام به بعدی از موضوع پرداخته و از سایر ابعاد غفلت شده است؛ کتابهایی هم اگر در خصوص جنایات آن رژیم در مناطق اشغالی نگاشته شده است نگاه حقوقی به آن مسائل نداشته بلکه بیشتر از نگاه تاریخی، موضوع را مورد بررسی قرار داده اند؛ لذا در آنها نیز کمبودهایی احساس می شود. اما این مقاله بر آن است در حد وسع و توان به احراز ابعاد و شدت نقض حقوق بشردوستانه در سرزمین های اشغالی فلسطین توسط قدرت اشغالگر با تأکید بر قطعنامه های شورای امنیت، مجمع عمومی و برخی نهادهای دیگر و همچنین به رأی مشورتی دیوان دادگستری در رابطه با ابعاد حقوقی ساخت دیوار حایل پردازد. لذا این مقاله در ۳ فصل به شرح ذیل به موضوع پرداخته است.

فصل اول- نگاهی گذرا به حقوق بشردوستانه انداخته و بخصوص ضمانت ها و پشتوانه های اجرایی این دسته از حقوق را مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل دوم- با تأکید بر قطعنامه ها و اسناد نهادهای بین المللی، ادله اشغالگر و متجاوز بودن رژیم صهیونیستی مورد بررسی قرار گرفته و خلاصه ای از تکالیف و تعهدات آن رژیم به عنوان قدرت اشغالگر، نسبت به سرزمین های تحت اشغال اشاره شده است.

فصل سوم- ابعاد و دامنه نقض حقوق بشردوستانه در آن سرزمین ها، به استناد مدارک و اسناد متقن و موثق همچون قطعنامه های شورای امنیت، مجمع عمومی، شورای حقوق بشر، رأی مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در خصوص آثار حقوقی دیوار حایل و ... مورد ارزیابی قرار گرفته است.

فصل اول

نگاهی گذرا به حقوق بشر دوستانه بین المللی

مبحث اول - حقوق بشردوستانه و مشخصات آن

بند اول) تعریف

حقوق بشردوستانه (Humanitarian Law) به مجموعه ایی از قواعد و مقررات بین المللی یا عرفی اطلاق می شود که به هنگام بروز مخاصمه ی مسلحانه (بین المللی یا داخلی) بر اعمال متخاصمین از جهت حقوق انسانی، بکارگیری روش ها، شیوه ها و اسباب آلات جنگی نظارت نموده و آنان را در چارچوب مشخصی قرار می دهد.

از دیدگاه صاحب نظران :

«حقوق بشردوستانه عبارت است از : «مجموعه قوانین و مقرراتی که هدفش تعیین حقوق انسان ها در زمان جنگ و در اثنای تخاصمات مسلحانه است.»^۱

«حقوق بین الملل بشردوستانه یکی از شاخه های اصلی حقوق بین الملل عمومی و مشتمل بر قواعدی است که هدف آن یکی حمایت از افرادی است که در زمان جنگ در مخاصمه شرکت نکرده یا آن را ترک کرده اند و دیگری محدود کردن روش ها و وسایلی است که در جنگ به کار گرفته می شود.»^۲

بند دوم) منابع

منابع حقوق بشردوستانه آنهایی هستند که در مخاصمات بین المللی یا داخلی اعمال می شوند که به تعدادی اشاره می شود:

- اعلامیه سن پترزبورگ ۱۸۶۸.
- کنوانسیون لاهه در مورد رعایت قوانین و عرف های جنگ زمینی و تطبیق اصول کنوانسیون ژنو مصوب ۱۸۶۴ بر جنگ های دریایی.
- کنوانسیون های لاهه برای بازبینی کنوانسیون ۱۸۹۹ لاهه ۱۹۰۷.
- پروتکل ژنو در مورد منع کاربرد گازهای خفه کننده، سمی یا دیگر گازهای مشابه و روش های باکتریولوژیک در جنگ ۱۹۲۵.
- کنوانسیون ژنو در مورد رفتار با اسرای جنگی ۱۹۲۹.
- کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹.
- کنوانسیون های لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمات مسلحانه ۱۹۵۴
-^۱

^۱ - سید مصطفی محقق داماد، حقوق بشردوستانه بین المللی «رہیافت اسلامی»، ص ۶۶.
^۲ - کمیته ملی حقوق بشردوستانه، حقوق بین الملل بشردوستانه پاسخ به سوالات شما، ترجمه ی هاجر سیاه رستمی، ص ۸.

بند سوم) قلمرو شمول

حقوق بشردوستانه در زمان مخاصمه مسلحانه (بین المللی یا داخلی) از نوع بشر، اموال فرهنگی، محیط زیست طبیعی و... حمایت نموده و بر ابزار آلات جنگی نظارت می کند. در حقوق بشردوستانه حق و تکلیف متوجه هم دولت ها و هم افراد می شود؛ به این معنا که بار مسوولیت متوجه هر دو می باشد و به صرف نقض از جانب هر کدام بار حقوقی ایجاد می کند همچنان که با نقض این نوع حقوق در یوگسلاوی سابق و یا در سومالی هم دولت و هم افراد خاطی تحت تعقیب قرار گرفتند.

در حقوق بشردوستانه بین المللی صرف نظر از اینکه در مخاصمه داخلی اتباع یک دولت در مقابل همان دولت مورد حمایت قرار می گیرند؛ در مخاصمه مسلحانه بین المللی اتباع و اموال و... در مقابل متخاصمین مورد حمایت هستند. تخلف از حقوق بشردوستانه به علت حساسیت و اهمیت آن عواقب حقوقی شدیدتری خواهد داشت. این به آن خاطر است که در شرایط مخاصمه بین طرفین و سروکار داشتن با ابزار آلات جنگی، احتمال نقض شدید اصول اساسی مخاصمات و بروز هر گونه رفتار و کردار متخلفانه از جانب هر کدام از طرفین بر علیه اهداف نظامی یا غیر نظامی متصور است، لذا در این شرایط بدون توجه به حاکمیت دولت ها احتمال هر گونه دخالت تحت عنوان دخالت بشردوستانه را برای مراجع ذیربط محفوظ می نماید. به عنوان مثال؛ شورای امنیت سازمان ملل در صورت تهدید یا نقض صلح برابر فصل ششم و هفتم منشور حق دخالت بشردوستانه را دارد (همچنان که در یوگسلاوی و رواندا عمل نمود).

بند چهارم) سابقه

هر چند حقوق بشردوستانه به شکل ابتدایی ریشه در بستر تاریخ دارد و اقوام قدیم نیز تا حدودی و بنا بر اقتضا آن را رعایت می نموده اند اما سابقه تدوین و جمع آوری آن حقوق به شکل امروزی (حقوق بشردوستانه) به قرن هفدهم میلادی بر می گردد، که دانشمندان متعددی در این زمینه نقش ایفا نموده و با تألیفات خود راه را برای دیگران گشوده اند از جمله می توان به کتاب حقوق جنگ و صلح هوگو گروسیوس به سال ۱۶۲۰ میلادی و کتاب مجموعه قواعد مربوط به جنگ فرانسیس لیبر به سال ۱۸۶۳ میلادی اشاره نمود. قانون لیبر منشأ مقرراتی بود که امروز آن را حقوق لاهه می نامند و نخستین اقدامی بود که برای تدوین مقررات و عرف های جنگ به صورت مجموعه ای از دستورالعمل ها برای نیروهای نظامی در صحنه نبرد صورت گرفت.^۲

تلاش های اندیشمندان حقوقی گذشته را، بازرگان خیر اندیش سویسی به نام هنری دونان کامل نموده و منشأ پیدایش سازمان صلیب سرخ جهانی و کنوانسیون های ژنو به شکل امروزی گردید، با این توضیح که وی در سال ۱۸۵۹ در جنگ بین ۳ دولت ایتالیا و اتریش و فرانسه در محلی به سولفرینو^۳ با مشاهده تعداد زیادی از کشتگان و زخمی های رها شده در آن محل بسیار متأثر گردید؛ لذا در امری انسان دوستانه با دعوت از افراد محلی به مداوای زخمی ها و دفن مرده ها پرداختند. سپس این حوادث ناراحت کننده را در کتابی به نام خاطرات

^۱ - هاجر سیاه رستمی، از حقوق بین الملل بشردوستانه بیشتر بدانیم، ص ۱۳.

^۲ - پروفیسور دیتر فلک، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، ص ۴۱.

^۳ - محلی در شمال ایتالیا.

سولفرینو منتشر و بستر ایجاد تحولات را در این زمینه فراهم نمود. وی در کتاب مذکور دو راهکار ارائه نمود: پیشنهاد اول او منجر به ایجاد کمیته بین المللی صلیب سرخ انجامید. پیشنهاد دوم او منجر به ایجاد کنوانسیون های ژنو شد که بعدها مقررات و قوانینی توسط سایر کشورها در راستای اجرای هر چه بهتر این دسته از حقوق به آن اضافه گردید، که هم اکنون روی هم منابع غنی حقوق بشردوستانه را تشکیل می دهند.

مبحث دوم - ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه

تدوین حقوق صرفاً، برای اجرا کفایت نمی کند؛ بلکه باید برای حسن اجرای آن و برخورد با متمردين و قانون شکنان پشتوانه و پشتیبانی و اهرم های اجرایی قوی داشته باشد؛ در جوامع از این اهرم ها - که برای اجرای قواعد و مقررات حقوقی بکارگیری می شوند - به ضمانت اجرایی تعبیر می شود. همانگونه که در حقوق داخلی صرفاً تدوین حقوق کفایت نمی کند بلکه می بایست برای اجرای صحیح آن تدابیری اندیشیده شود در حقوق بین الملل بالأخص حقوق بشردوستانه - که به صحنه جنگ و درگیری مربوط می شود و احتمال نقض و شکستن حریم آن بیشتر احساس می شود - لازم است از پشتوانه ها و ضمانت های اجرایی شدیدتری برخوردار باشد.

بند اول) نقش ارکان سازمان ملل متحد (United Nations)

۱) نقش شورای امنیت

منشور سازمان ملل متحد وظایف و اختیارات خاصی را به شورای امنیت محول نموده است بر همین اساس از شورا انتظار دارد با توجه به در دست داشتن سازوکارهای اجرایی، نسبت به حفاظت و حراست از حریم مقاصد و اهداف سازمان در چارچوب منشور و بدون هیچ گونه تبعیض یا دخالت مسائلی - که به اقتدار آن سازمان آسیب برساند - اقدام نماید. بند ۱ ماده ۲۴ منشور سازمان ملل در این راستا چنین بیان می کند: «به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد اعضای آن مسوولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت واگذار می کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسوولیت بر عهده دارد، از طرف آنها اقدام نماید.»

بند ۲ «شورای امنیت در اجرای این وظایف بر طبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می کند...» وظایف و اختیارات و سازوکارهای محوله به شورای امنیت، آن را به عنوان مقتدرترین و مؤثرترین رکن سازمان ملل در تضمین اجرای حقوق بین الملل، بخصوص از نوع بشردوستانه سوق داده است این شورا به وجوه مختلف در حل معادلات جهانی ایفای نقش می نماید:

۱- با انتخاب اعضای دیوان بین المللی دادگستری با همکاری مجمع عمومی در پیگیری های امور مربوط به حقوق بین الملل، به ویژه حقوق بشردوستانه، می تواند دخالت یا اعمال نفوذ نماید. اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری روند انتخاب اعضای دیوان را توسط شورا و مجمع چنین عنوان نموده است (بند ۱ ماده ۴)

بند ۲ ماده ۹۴ منشور بین دیوان و شورا ارتباطی برقرار کرده است که این ارتباط و نتیجه ی آن می تواند نقش شورا را در تضمین اجرای حقوق بشردوستانه برجسته تر سازد^۱

در بند ۱ ماده ۹۶ منشور به شورا حق داده است در صورت لزوم از دیوان رأی مشورتی درخواست نماید. همچنین دولت ها به استناد ماده ۲۵ منشور می بایست از تصمیمات دیوان تبعیت نمایند. ضمن اینکه دولت ها متعهد هستند با تصمیمات شورا که بر اساس ماده ۳۹ منشور اتخاذ می گردد همراهی کنند. (ماده ۴۳)

(۲) نقش مجمع عمومی (General Assembly)

مجمع عمومی به عنوان رکن تأثیرگذار دیگر سازمان ملل، می تواند تأثیر به سزایی در اجرای قوانین و مقررات بشردوستانه داشته باشد این نهاد بین المللی، متشکل از تمام دول، به عنوان دموکراسی ترین سازمانی است که همه ی کشورهای عضو در آن نماینده دارند از این نظر به «منزله مجلس شورای بشری است.» وظایف و اختیارات این رکن از سازمان ملل در ماده ۱۹-۱۰ منشور منعکس است.^۲

در ماده ۱۱، منشور محدوده یکی دیگر از وظایف و اختیارات مجمع را در خصوص خلع سلاح و تنظیم تسلیحات مشخص می نماید. لذا بر اساس این ماده مجمع اختیار دارد ساخت و بکارگیری تسلیحات ممنوعه را کنترل نموده و در محدوده ی قوانین و مقررات مربوطه سوق دهد تا از این طریق مورد حمایت شدگان حقوق بشردوستانه از خطرات احتمالی در امان بمانند.

(۳) نقش دیوان بین المللی دادگستری (I.C.J.)

دیوان بین المللی دادگستری، به عنوان رکن قضایی سازمان ملل، در ترویج و توسعه ی حقوق بشردوستانه و همچنین تضمین اجرای آن نقش اساسی می تواند داشته باشد دیوان دارای دو نوع صلاحیت می باشد: ۱- صلاحیت ترافیعی ۲- صلاحیت مشورتی.

در خصوص صلاحیت مشورتی در صفحات قبل اشاراتی شد؛ اما در خصوص صلاحیت ترافیعی دیوان و تأثیر آن بر اجرای حقوق بشردوستانه، باید گفت طبق بند ۱ ماده ۳۶ «دیوان بین المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که طرفین دعوی به آن رجوع می کنند و همچنین به موارد خاصی که به موجب منشور ملل متحد یا به موجب عهدنامه و قراردادهای جاری پیش بینی شده است صلاحیت رسیدگی دارد.» بند ۲ همین ماده نیز به موارد دیگر رسیدگی های حقوقی این رکن قضایی اصلی سازمان ملل پرداخته است و در صورتی که طرفین دعوی برای رسیدگی قضایی به دیوان رجوع کنند در آن صورت حکم دیوان برای طرفین الزام آور بوده و شورای امنیت سازمان ملل ضمانت اجرای آن احکام را بر عهده دارد.

^۱ - « هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که بر حسب رأی دیوان بر عهده او گذارده شده است تخلف کند طرف دیگر می تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه هایی نموده و یا برای اجرای رأی دیوان تصمیم به اقداماتی بگیرد.»

^۲ - ماده ۱۰ منشور سازمان ملل متحد: «مجمع عمومی می تواند هر مسأله یا امری را که در حدود این منشور یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در این منشور باشد مورد بحث قرار دهد....»

این دیوان نیز در صورت حرکت در چارچوب قواعد مشخص شده در اساسنامه و سایر ضوابط بین المللی و فارغ از هرگونه باندبازی های سیاسی (همانگونه که در دیوان دائمی وجود داشت) می تواند بستر ایجاد تحول در اجرای حقوق بشردوستانه را فراهم می نماید. ولی سوابق و عملکردها نشان می دهد با توجه به ساختار این سازمان و انتخاب آنها از طرف دیوان و شورا و وجود برخی تأثیرات سیاسی بر این روند، احتمال برخی مسامحه کاری و مصالحه کاری ها وجود دارد. « در هر حال مسلم است که نامزد شدن اشخاص به این مقام شامخ و حساس از سوی مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل بدون توجه به سوابق و تمایلات سیاسی آنان انجام نمی شود و ملاحظات و حساب های شخص قاضی نیز در جریان کار مؤثر است.»^۱

بند دوم) نقش کمیته بین المللی صلیب سرخ (ICRC)

تعارض منافع و زیاده خواهی روزافزون دولت ها به همراه گسترش حجم جنگ افزارهای جنگی، منجر به این شد بدون توجه به اصول اخلاقی و انسانی از هر روش و ابزار ممکن برای وصول به اهداف مذکور استفاده نموده در نتیجه به تبع آن اصول اولیه انسانی لکه دار شود و با توجه به فقدان حمایت و حفاظت کافی، اهداف غیر نظامی مورد حمله قرار گرفته و بیش از اهداف نظامی دچار تلفات شود.

طرفین مخاصمه در جنگ ها صرفاً با هدف شکست نیروهای نظامی با همدیگر نمی جنگیدند بلکه سعی داشتند به هر طریق و به هر روش ممکن بیشترین ضربه را به دشمن بزنند. اگر سوابق جنگ ها بررسی شود می بینیم که طرف پیروز بعد از هزیمت طرف مقابل به قلع و قمع غیر نظامیان پرداخته و بالاترین آسیب ها را وارد کرده با یک مقایسه آماری بین تلفات انسانی در قرون مختلف مشخص می شود این تلفات با گذشت زمان رو به فزونی گذاشته است به گونه ای که در دو جنگ جهانی اول و دوم « ۹۸ میلیون »^۲ تلفات انسانی به وجود آمده است. با وجود اینکه غیر نظامیان در جنگ شرکت نداشتند چرا تعداد تلفات آنها خیلی زیاد بوده است؟ به گسترش تسلیحات کور با امکان تخریب بالا و منع نشدن کامل مخاصمات و نبود مقررات و قواعد کافی و سازمان های نظارتی اشاره نمود. همین عوامل باعث شد قوانین و مقررات و سازمان های نظارت کننده ای همچون صلیب سرخ جهانی با ساختار و اصول مشخصی ایجاد شود.

این سازمان به عنوان ناظر اصلی بر حسن اجرای کنوانسیون های ژنو و سایر مقررات جنگی تقریباً در همه ی کشورهای جهان (بیش از ۱۸۰ کشور) عضو دارد و «به عنوان نخستین سازمان بین المللی که وظیفه نظارت و کنترل اجرای حقوق بشردوستانه را در جهان به عهده دارد»^۳ شناخته شده است.

این سازمان در زمان جنگ به عنوان حامی و به عنوان یک سازمان بی طرف این ظرفیت را دارد بدون تأثیر پذیری از هر نوع جریانی نقش خوبی را ایفا نموده و بر رعایت حقوق مذکور نظارت نماید با اسیران جنگی و با کسانی که حقوقشان در مناطق اشغالی و غیر اشغالی ضایع شده است ملاقات نماید

^۲ - کمیته ملی حقوق بشردوستانه، رعایت حقوق بشردوستانه بین المللی، ترجمه دبیر خانه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ص ۲۸.
^۳ - هاجر سپاه رستمی، از حقوق بین الملل بشردوستانه بیشتر بدانیم، ص ۴۶.

ماده ۸۱ پروتکل اول الحاقی به صراحت به نقش و اصول همکاری دولت‌ها با صلیب سرخ و سایر سازمان‌های بشردوستانه اشاره نموده است^۱

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر اساس اصول مزبور این توان را دارد جهت رعایت اصول انسان‌دوستانه هم در زمان صلح و هم در زمان محاصرات به کشورها (مخصوصاً کشورهایی که بستر تخلف و نقض حقوق مزبور مهیاست) فشار آورد؛ تا از این طریق اجرای حقوق بشردوستانه در زمان صلح و جنگ را تضمین کند. مواد ۹ و ۱۰ مذکور در کنوانسیون‌های ژنو مجدداً به نقش و وظایف سازمان بین‌المللی صلیب سرخ جهانی اشاره می‌نماید.

به طور کل می‌توان گفت: این سازمان با نظارت بر فعالیت‌های جنگی نیروهای متخاصم، آنان را از تجاوز به این دسته از حقوق جنگی بر حذر می‌دارد و از این نظر که یک سازمان بی‌طرف بین‌المللی می‌باشد از کش و قوس‌های سیاسی در امان است. «در مورد ماهیت سازمانی کمیته این اطمینان وجود دارد که وظایف خود را مستقل از تأثیر دولت‌ها (از جمله دولت سوئیس) انجام می‌دهد.^۲» و در زمان صلح دولت‌ها را از طریق پیگیری تعهداتشان مبنی بر آموزش حقوق بشردوستانه ترغیب می‌نماید.

بند سوم) نقش دیوان بین‌المللی کیفری (ICC)

سابقه تشکیل دیوان بین‌المللی کیفری به جنگ جهانی دوم بر می‌گردد هر چند بحث ایجاد یک دادگاهی که بتواند به جرایم اشخاص پردازد قبلاً نیز وجود داشت اما در این جنگ بود که به دنبال نقض‌های شدید حقوق بشری و بشردوستانه بحث با جدیت زیاد مورد پیگیری قرار گرفت. یکی از مواردی که باعث تسریع ایجاد دادگاه دائمی کیفری شد بحث مورد تعقیب قرار دادن اشخاص متهم به جرایم سنگین و فاحش صرف نظر از مسئولیت آنها بود، به گونه‌ای که اگر قبلاً مسئولیت اشخاص باعث مصونیت و مانع تحت تعقیب قرار گرفتن آنها از طرف سایر دادگاه‌ها می‌گردید و مضافاً اینکه سایر دادگاه‌ها مجاز به پیگیری قضایی اشخاص نبوده و بلکه تنها به جرایم دولت‌ها می‌پرداختند؛ اما چنین مانعی در این دادگاه وجود ندارد و به محض اثبات ارتکاب تخلفات شدید حقوق بشری و جنگی در مورد آنها در چارچوب اساسنامه‌ی همین دادگاه سلب مصونیت می‌شوند.

تکرار نقض حقوق بشردوستانه توسط افراد در مسئولیت‌های مختلف در طول سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ در سرزمین‌های رواندا و یوگسلاوی سابق و وجود شبهه مبنی بر اینکه آیا اساساً شورای امنیت صلاحیت ایجاد دادگاه کیفری را دارد باعث گردید تا دولت‌ها به فکر ایجاد یک دادگاه دائمی کیفری با صلاحیت‌های ویژه جهت رسیدگی به اتهام افراد بیفتند. این دادگاه بلاخره پس از فراز و نشیب‌های فراوان در سال ۱۹۹۸ با یک اساسنامه ۱۲۸ ماده‌ای در کنفرانس دیپلماتیک رم به امضاء ۱۶۰ کشور جهان رسید.

^۱ - بند ۱: «طرف‌های مخاصمه همه‌ی تسهیلات تحت اختیار خود را به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اعطا خواهند کرد تا کمیته مزبور قادر باشد به وظایف بشردوستانه‌ای که به موجب کنوانسیون‌ها و این پروتکل جهت تضمین حمایت و کمک به قربانیان مخاصمات بر عهده دارد، عمل نماید، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ همچنین می‌تواند با رضایت طرف‌های ذریبط مخاصمه، هر فعالیت بشردوستانه‌ی دیگری را به نفع این قربانیان انجام دهد.»
^۲ - همان، ص ۷۱۶.

دادگاه کیفری بین المللی یک دادگاه دائمی است (نه موقت و خاص) که صلاحیت رسیدگی به جرایم اشخاص متهم به نقض های شدید حقوق بشردوستانه (نسل کشی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی، تجاوز) را دارد و تحت نفوذ هیچ دولتی یا سازمانی نبوده و به صورت مستقل عمل می نماید. ویژگی خاص دیگر این دادگاه این است که سمت و مسئولیت متهمان در تحت پیگرد قرار گرفتن و تعقیب قضایی آنها هیچ تأثیری ندارد. از نظر زمانی نیز این دادگاه صلاحیت دارد به جرایم بعد از تأسیس خود رسیدگی نماید و به عبارتی عطف به ما سبق نمی شود، ضمن اینکه جرایم تحت صلاحیت دیوان کیفری دائمی شامل مرور زمان نمی گردد و چون محاکم قضایی کشورها در پیگیری قضایی جرایم خاص (مندرج در اساسنامه دیوان) صلاحیت جهانی دارند لذا مکان جرم برای تحت پیگرد قرار دادن متهمان به این دسته از جرایم شرط نیست.

بند چهارم) نقش دولت ها و مسئولیت آنها

صرف نظر از وجود عقاید و برخی تفکرات قانون ساز؛ پیمان ها و تعهدات دولت ها در اجرای حقوق بشردوستانه، پشتوانه ی دیگری برای تضمین این دسته از حقوق می باشد. همچنین برخی از تعهدات و مقرراتی وجود دارند که هر چند دولت ها نسبت به آنها طرف محسوب نمی شوند و نقض این دسته از حقوق به طور مستقیم به آنها لطمه وارد نمی کند اما وضعیت آنها به گونه ای است که به طور غیر مستقیم در حال یا آینده بر آنها تأثیر منفی خواهد گذاشت و اغلب قوانین بشردوستانه از این طیف بوده که به قواعد آمره معروف هستند. لذا بر همین اساس ضمن این که دولت ها شخصاً موظف به اجرای آن دسته از قواعد هستند، باید سایر دولت ها را نیز به این امر ترغیب یا ملزم کنند. دولت ها نباید طرفین مخاصمه را به نقض حقوق بشردوستانه بین المللی تشویق نمایند آنها باید با نهایت قدرت ممکنه برای متوقف نمودن نقض حقوق بشردوستانه وارد عمل شوند.

در رابطه با موضوع اخیر الذکر دولت ها دو وظیفه دارند اول حقوق جنگ (کنوانسیون های چهارگانه ژنو و پروتکل های الحاقی) را هم در زمان صلح و هم در زمان جنگ رعایت نمایند. دوم در این خصوص باید بر عملکرد سایر دولت ها نظارت داشته باشند. این مباحث منعکس از مواد مرتبط در کنوانسیون های ژنو و پروتکل های الحاقی است.^۱

مسایل فوق الاشاره نشان می دهند که دولت های عضو، دیگر نمی توانند از خود سلب مسئولیت نموده و از کنار نقض های مزبور بی توجه و بدون دغدغه خاطر عبور نمایند. « به طور کلی تعهدات دولت های عضو جامعه بین المللی در چهار دسته قرار می گیرند نخست، تعهد به عدم شناسایی وضعیت به وجود آمده بر اثر جنایت؛ دوم، کمک نکردن به دولت مجرم برای حفظ وضعیت ایجاد شده بر اثر جنایت؛ سوم، تعهد کمک به دولت لطمه دیده؛ و چهارم، کمک متقابل به یکدیگر جهت اجرای تعهدات بالا»^۲

در این خصوص ضمانت ها و پشتوانه های اجرایی دیگری همچون **کمیسیون بین المللی تحقیق و**

دولت های حامی وجود دارد که به جهت اطلاع ی کلام از بیان آنها صرف نظر می شود.

^۱ - مواد ۱۲۷، ۱۴۴، ۴۷، ۴۸ مشترک کنوانسیون های ژنو.

^۲ - موارد مذکور به صراحت در منشور سازمان ملل منعکس شده است (بند ۵ ماده ۲؛ بند ۱ و ۳ ماده ۱؛ ماده ۴۹؛ ۴۸؛ ۴۳ و....)

فصل دوم

اثبات اشغالی بودن سرزمین های فلسطین و تعهدات قدرت اشغالگر

مبحث اول - اشغال نظامی

بند اول) تعریف اشغال نظامی

« اشغال^۱ نظامی یک سرزمین به این معنی است که نیروهای مسلح دشمن در سرزمینی که اشغال شده است استقرار یافته و اقتدار نظامی خود را آنجا گسترده کنند و کنترل تقریباً ثابت و دائمی، اما در اساس کنترل موقت آن سرزمین را به دست گیرند»^۲ در ماده ۴۲ مقررات لاهه آمده است. « یک سرزمین در صورتی اشغال شده تلقی می شود که واقعاً تحت اقتدار نیروهای مسلح دشمن قرار گرفته باشد.» به هر حال زمانی اشغال نظامی اتفاق می افتد که کشور اشغالگر در عمل و واقعاً توان اعمال مقررات را داشته و آنجا را تحت کنترل خود درآورده باشد به عبارتی « این قاعده ضرورتاً موازات قاعده ای می آید که مقرر می دارد هرگونه کنترل عملی یک دولت بر سرزمین دولت دیگر، تکلیف رعایت حقوق اشغال نظامی را به همراه می آورد.»^۳

بند دوم - جایگاه اشغال نظامی در نظام بین الملل

قواعد اشغال نظامی همانند سایه ای پا به پای قواعد منع جنگ و توسل به زور حرکت نموده است. تا زمانی که تصمیمات دولت ها و ملل قدرتمند شکل دهنده مقررات و چارچوب قواعد جنگی بوده است، تا زمانی که جنگ ها بدون قید و بند وجود داشته اند بالتبع اشغال نظامی نیز به شکل امروزی معنا و مفهوم خاصی نداشته است وقتی که دولتی سرزمینی را تحت یورش و تاخت و تاز قرار می داد و آنجا را تسخیر می کرد این حاکمان و فرماندهان بودند که تصمیم می گرفتند چگونه با افراد نظامی و غیر نظامی و سرزمین تسخیر شده برخورد نمایند؛ لذا این روند تا زمانی که جنگ و توسل به زور در چارچوب قانونی قرار گرفته و از آن بی قید و بندی رها نشده شدند ادامه داشت.

با تأسیس جامعه ملل (۱۹۱۹) و تنظیم قراردادها و معاهدات، میثاق ها و کنوانسیون ها بین دول و قانونمندان شدن شیوه های حل اختلافات طبیعتاً اشغال نظامی نیز در چارچوب حقوق قرار گرفت. وقتی که جنگ و تجاوز و شیوه های توسل به زور منع شدند به تبعیت از آن اشغال نیز نمی توانست وجاهت داشته باشد و به عبارتی « اصل عمل انجام شده غیر قانونی نمی تواند منشأ ایجاد حق گردد» اصل حاکم بر روابط دولت ها گردید و این ممنوعیت به صراحت در قطعنامه تعریف تجاوز و در اعلامیه اصول حاکم بر روابط دوستانه و همکاری میان کشورها (۱۹۷۰) بیان شده و در منشور نیز هر چند از اشغال نظامی بحثی به میان نیامده اما اصول اساسی حاکم بر توسل به زور و حل اختلافات از طرق و شیوه های مسالمت آمیز اصلاً موضوع اشغال را منتفی داشته است.

1-Occupation

^۲ - محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ (حقوق مخاصمات مسلحانه) ص ۲۰۸.

^۳ - پروفیسور دیتز فلک، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، ص ۳۲۵

مبحث دوم - اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی و تعهدات آن رژیم

بند اول) ادله اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی

قبل از اینکه به موضوع اصلی یعنی؛ نقض حقوق بشردوستانه در سرزمینهای اشغالی فلسطین پردازیم لازم است جهت بهره برداری بیشتر و بهتر از موضوع، پاسخ چند سوال را روشن نماییم که می توانند به عنوان مقدمه و پیش نیاز ذهن هر خواننده ای را مشغول نمایند با توجه به شبهات رژیم صهیونیستی در سرزمین های اشغالی مبنی بر ذیحق نشان دادن خود و فرار از هرگونه پاسخگویی یا تنبیه به جهت نقض حقوق مذکور، ایجاب می نماید به آن شبهات پاسخ گفته شود. یعنی وقتی می توانیم فصل دوم را شروع و به نتیجه برسانیم که اثبات شود رژیم صهیونیستی یک متجاوز و اشغالگر است آنگاه به حقوق و تکالیف متجاوز و اشغالگر و عواقب نقض آن حقوق در سرزمین اشغالی پردازیم.

همچنان که دیوان دادگستری در « مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ در مورد آثار حقوقی ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا برای دولت ها اشاره کرد. در این نظر، دیوان پس از غیر قانونی دانستن ادامه حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا، اظهار داشت که دولت های عضو سازمان ملل متحد تعهد دارند غیر قانونی بودن حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا و بی اعتباری اقدامات آن از جانب یا مربوط به نامیبیا را تصدیق کنند و از هر عملی و به ویژه انعقاد هر معاهده ای با حکومت آفریقای جنوبی که متضمن شناسایی قانونی بودن یا حمایت یا کمک به چنین حضور و تشکیلات اداری باشد، خودداری ورزند. سرانجام متذکر می گردد که حتی بر دولت هایی که عضو سازمان ملل متحد نیستند واجب است که در اجرای تعهدات اشاره شده به سازمان ملل متحد کمک کنند.»^۱ پس با توجه به موضوعات مذکور این سوال مطرح است آیا رژیم صهیونیستی می تواند در سرزمین های اشغالی به حق دفاع مشروع به عنوان یک قاعده حقوقی استناد جوید؟ آن چنان که حمله به غزه و جنگ ۲۲ روزه را به بهانه ی مقابله با راکت های پرتاب شده ی گروه های مقاومت فلسطینی عنوان کرد و چنین هم نبود.

با وجود دخالت دست های پنهان و آشکار و استقرار یهودیان در سرزمینهای اشغالی و قطعنامه ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ مجمع عمومی که بسیار ناعادلانه و غیر مسئولانه سرزمین فلسطین را به سه بخش تقسیم نمود اما رژیم صهیونیستی به این اندازه از اشغالگری نیز قانع نشده، و جهت توسعه ی بیشتر سرزمین های اشغال شده با چند کشور عربی وارد منازعه و در چند جنگ بخش دیگری از سرزمین های فلسطین را به تصرف و اشغال خود در آورد؛ به عبارتی کل سرزمین های اشغال شده را از حدود ۵۶ درصد به ۷۸ درصد توسعه داد.

^۱ - بهرام مستقیم و مسعود طارم سری، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، ص ۲۹۵.

قبل از این که حقوق و تکالیف اشغالگران را در سرزمینهای اشغال شده احصاء نمایم لازم است به قطعنامه های مجمع عمومی، شورای امنیت، رای مشورتی دیوان و نظرات سایر نهاد های دولتی و غیر دولتی در راستای اثبات اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی مورد توجه قرار دهیم.

قطعنامه ۲۴۲ شورای امنیت با اشاره به احترام به اصل حاکمیت و استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورها، کسب سرزمین از طریق تهدید و توسل به زور را ممنوع و نامشروع تلقی می کند. « شورای امنیت با ابراز نگرانی از وخامت اوضاع خاورمیانه، برعدم توسل به زور جهت تصرف سرزمین ها و نیاز به تلاش برای برقراری صلح عادلانه و پایدار که در آن همه کشورهای منطقه از امنیت برخوردار باشند، تاکید دارد... خاتمه وضعیت جنگی، احترام و شناسایی اصل حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی هریک از کشورهای منطقه و حق آنها بر زندگی صلح آمیز و در مرزهای امن و شناخته شده و به دور از تهدید یا توسل به زور...»

هر چند از نظر ما به استناد منابع تاریخی و حقوقی تمام سرزمین های فلسطین (قبل و بعد از قطعنامه تقسیم) اشغالی محسوب می شود و به هر حال دیدگاه جهانی با توجه به برخی مصالح و منافع با این دیدگاه موافق نیست؛ ولی همه ی دولت ها و سازمان های بین المللی بر این عقیده اند سرزمین های بعد از سال ۱۹۶۷ با عمل زور و تجاوز کسب شده در نتیجه اشغالی محسوب می شود. لذا در این مبحث به چند مورد از آن مستندات می پردازیم تا ابتدا ثابت شود رژیم صهیونیستی متجاوز و اشغالگر می باشد سپس موضوع قابل اعمال بودن حقوق اشغال بر آن سرزمین ها مورد بررسی قرار می گیرد.

- اولین سند و مدرک در این راستا قطعنامه مربوط به تقسیم فلسطین - که آن سرزمین را به سه بخش تقسیم نموده - رژیم مزبور از آن حدود مشخص شده تجاوز نموده است.

- قطعنامه ۲۴۲ مصوب شورای امنیت (سال ۱۹۶۷) ضمن تأکید بر ارتباط موضوع برقراری صلح عادلانه و پایدار در خاورمیانه با عدم توسل به زور و تصرف سرزمین ها صراحتاً بر «خروج نیروهای مسلح اسرائیل از سرزمینهای اشغالی» تأکید می کند.

- قطعنامه ۱۹۶۹ مجمع عمومی در راستای قبول حقوق غیر قابل انتقال ملت فلسطین تصریح می کند: مجمع عمومی «به شدت نگران است که بر اساس گزارش های واصله استتکاف از حقوق آنان به وسیله ای به اقدام به مجازات جمعی، توقیف خودسرانه، انهدام و تخریب منازل و اموال، اخراج و سایر اقدامات سرکوبگرانه علیه آوارگان و سایر ساکنان «سرزمین های اشغالی» تبدیل شده است. در بند ۲ نیز توجه شورای امنیت را نسبت به توجه به سرزمین های اشغالی فلسطین معطوف می دارد....»

- مجمع عمومی جهت تبیین وضعیت حقوقی دیوار حایل، به استناد ماده ۹۶ منشور و ماده ۶۵ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، از آن نهاد قضایی درخواست رای مشورتی کرد. لذا آن بخش از درخواست در اینجا مورد قابل توجه است که مجمع در درخواست مزبور، از آن رژیم تحت عنوان رژیم اشغالگر نام برد: «آثار حقوقی ایجاد دیوار توسط اسرائیل، به عنوان قدرت اشغالگر، در سرزمین های اشغالی فلسطینی اشغال شده، ... چیست؟» همانگونه که مشاهده می شود مجمع به اشغالگری رژیم صهیونیستی رسماً صحه گذاشته و از آن رژیم تحت عنوان قدرت اشغالگر در سرزمین های فلسطین اشغال شده نام می برد.

- دیوان نیز در صدور نظریه مشورتی خود از اسرائیل تحت عنوان اشغالگر نام می برد. بند ۱۵۳ «... از این رو اسرائیل موظف است تا زمین ها، باغ های میوه، باغ های زیتون، و سایر اموال منقول متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی را که در نتیجه احداث دیوار حایل در سرزمین های فلسطینی اشغالی، تصاحب شده اند، به صاحبانش بازگرداند.» «بعلاوه دیوان اعلام کرد که اسرائیل متعهد به پایان بخشیدن به نقض تعهدات بین المللی خویش می باشد که از ساخت دیوار در سرزمین اشغالی ناشی شده است...»^۱ دیوان در صدور رأی مشورتی خود بارها به موضوع اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی و قابل اعمال بودن حقوق بشردوستانه در آن سرزمین ها تأکید نموده است.

- مجمع عمومی در ۲۰ ژوئیه ۲۰۰۴ طی قطعنامه ای در راستای رای دیوان اعلام نمود: «از اسرائیل درخواست می شود که به عنوان دولت اشغالگر به تعهدات حقوقی خود بر اساس رای مشورتی عمل نماید»
- شورای امنیت در واکنش به ادعای اسرائیل مبنی بر عدم قابلیت اجرای کنوانسیون های ژنو به سرزمین های تحت اشغال طی قطعنامه ی S/RES/1544 (۱۹ می ۲۰۰۴) دیدگاه اسرائیل را رد و به تخطی اسرائیل از تعهدات خود طبق کنوانسیون چهارم ژنو اشاره کرد. همچنین با بکارگیری عبارت اسرائیل به عنوان دولت اشغالگر تأکید کرد که فلسطینیان اشخاص تحت حمایت و نوار غزه و کرانه باختری در زمره سرزمین های اشغالی مورد نظر کنوانسیون ژنو می باشد.»^۲ ...

- کمیسیون حقوق بشر در سال ۱۹۷۲ طی قطعنامه ای نگرانی عمیق خود را نسبت به اعمال و سیاست هایی که موقعیت یا خصوصیت مناطق اشغالی و حقوق اولیه مردم آن از قبیل موارد زیر، اظهار نموده است:

الف- قصد آشکار اسرائیل مبنی بر الحاق بخش هایی از مناطق اشغالی

ب- استقرار شهرک های اسرائیلی در مناطق اشغالی و انتقال بخشی از مردم یهود به آن مناطق...^۳

«در کل مجمع عمومی و شورای امنیت از ابتدای اشغال سرزمین های عربی توسط اسرائیل تاکنون قطعنامه های متعددی صادر کرده است که عمدتاً متضمن محکومیت اسرائیل به خاطر اشغال آن سرزمین ها بوده است.»^۴
شک و شبهه ای نسبت به اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی وجود ندارد. آن رژیم به عنوان رژیم اشغالگر بدون توجه به ادعا هایش - چنان که کلیه مجامع عمومی آن را رد نموده اند- به حقوق و تکالیف و تعهدات خود پایبند باشد.

۱- پس از آن که متجاوز و اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی مشخص و اثبات شد آیا یک قدرت متجاوز و اشغالگر می تواند به دفاع مشروع و حق ذاتی دفاع از خود استناد جسته و از این امتیاز در سرزمینهای اشغالی استفاده نماید؟

۲- آیا قواعد حقوقی بشردوستانه بلاخص کنوانسیون های ژنو در سرزمین اشغالی فلسطین قابلیت اعمال دارد؟

^۱ - سید باقر میرعباسی- سید حسین سادات میدانی، دادرسی های بین المللی دیوان بین المللی دادگستری مسائل روز، چکیده آرا و اسناد، ص ۱۹۶.

^۲ - همان، صص ۱۹۰ و ۱۹۱.

^۳ - شریفی طرازکوهی، مسأله فلسطین در سازمان ملل متحد، ص ۳۲۶.

^۴ - محمد رضا ضیایی بیگدلی، حقوق جنگ (حقوق بین الملل مسلحانه)، ص ۲۰۸.

در این راستا نظریه مشورتی دیوان بین المللی دادگستری حائز اهمیت است چرا که شبهه ای از طرف رژیم مبنی بر عدم قابلیت اجرای حقوق بشر دوستانه بر سرزمین تحت اشغال آن رژیم مطرح شد و دیوان نیز این شبهه را رد و بر قابلیت اجرای حقوق بشر دوستانه بخصوص کنوانسیونهای ژنو و پروتکل ها تأکید نموده است. اسرائیل به عنوان عضوی از کنوانسیون های ژنو باید به مواد ۱ و ۲ مشترک که عنوان می کند: «کلیه دولت های عضو کنوانسیون های مزبور متعهد به اجرای این حقوق تحت هر شرایطی و «در همه احوال هستند»^۱ احترام بگذارد. با توجه به این که کنوانسیون های ژنو قاعده عرفی پیدا کرده لذا به تمام ملت ها و دولت ها ساری و جاری بوده و رژیم صهیونیستی نیز از این امر مستثنا نخواهد بود، همانگونه که دیوان در صدور رأی مشورتی بر آن تأکید نمود.

به هر حال با توجه به اثبات اشغالگری رژیم صهیونیستی، در نتیجه قابلیت اعمال حقوق بشر دوستانه در سرزمین های اشغالی نیز اثبات می شود. رژیم صهیونیستی بر سرزمین های اشغالی کنترل مؤثر دارد لذا تعهد دارد حقوق اشغالی را در هر صورت رعایت نماید. «این ادعای اسرائیل قابل قبول نیست زیرا انکار وجود شرایط لازم برای اعمال کنوانسیون چهارم ژنو، بر بحثی احتمالی در خصوص وضعیت حقوقی آن سرزمین متکی شده است. هدف حقوق اشغال جنگی تضمین حمایت از افراد و اهدافی است که دیگر نه تحت کنترل مقامات خود، بلکه به خاطر جنگ، تحت کنترل یک قدرت خارجی قرار گرفته اند. شکی نیست که از دیدگاه ساکنان کرانه باختری و نوار غزه، اسرائیل یک قدرت خارجی است. بعلاوه، کنوانسیون چهارم ژنو فقط مسائل بشردوستانه ای را که از پدیده ی اشغال برای ساکنان سرزمین های اشغالی ایجاد می شود، تنظیم می نماید... با این حال مقامات اسرائیلی تصمیم خود به اجرای (de facto) مقررات بشردوستانه کنوانسیون های چهارم ژنو را اعلام کرده اند.»^۲

اینک پس از اثبات اشغالگر بودن رژیم صهیونیستی لازم است به طور کلی در این مبحث حقوق و تکالیف قدرت اشغالگر در سرزمین های اشغالی، بخصوص در راستای حقوق بشردوستانه و دامنه نقض آن حقوق در حد اقتضا و توان تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد: رژیم صهیونیستی به عنوان یک متجاوز و اشغالگر برابر اصول اولیه حاکم بر حقوق بشردوستانه، تعهدات و تکالیفی که در سرزمین های اشغالی دارد اجباراً و خواه نا خواه باید آنها را رعایت نماید. رژیم صهیونیستی به عنوان عضو سازمان ملل متعهد مکلف است اساسنامه آن سازمان را - بخصوص به عنوان عضوی که به هنگام عضویت دارای یک سری مسائل خاص بود- رعایت نماید. به عنوان عضو کنوانسیون های ژنو خود را متعهد و مکلف به رعایت حقوق بشردوستانه نموده است.^۳ به عنوان پذیرنده اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد حقوق بشری متعهد به رعایت اصول اساسی انسانی چه در زمان صلح و یا در اثنای مخاصمه و ... می باشد. لذا در همین راستا آن رژیم باید اصول و مقاصد سازمان ملل را مبنی بر

^۱ - ماده ۱: دولت های معظمه ی متعهد تقبل می نمایند که این قرارداد را در هر مورد رعایت نموده به موقع اجرا گذارند. ماده ۲: علاوه بر مقرراتی که در زمان صلح به موقع اجرا گذاشته شود این قرار داد در صورت جنگ رسمی یا هر گونه مخاصمه مسلحانه که بین دو یا چند دولت از دول معظمه ی متعهد روی دهد به موقع اجرا گذارده خواهد شد و لو آنکه یکی از دول وجود حالت جنگ را تصدیق نکرده باشند. ادعای اسرائیل نیز مبنی بر این که دول معظمه متعهد شامل سرزمین های تحت اشغال آن رژیم نمی شود نیز توسط نهادهای بین المللی چون شورای امنیت و دیوان دادگستری و... رد شده است. به عنوان نمونه شورا در قطعنامه شماره ۲۳۷ مصوب ۱۹۶۷ اعلام نمود «طرفین درگیر باید همه تعهدات کنوانسیون های ژنو ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد اسرای جنگی را در این مخاصمه مراعات کنند.»

^۲ - پروفیسور دیتز فلک، حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه، اهتمام و ویرایش سید قاسم زمانی و نادر ساعد، ص ۳۲۵.

^۳ - مواد ۱ و ۲ و ۳ مشترک کنوانسیون های ژنو؛ ماده ۶ و ۴ کنوانسیون چهارم؛ ماده ۶۹ و ۱ پروتکل الحاقی اول و...